

## بررسی و مقایسه‌ی مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان دختر و پسر شاخه‌های نظری، فنی حرفه‌ای و کار دانش دوره‌ی متوسطه‌ی شهرستان گرمسار بر اساس الگوی وایلز و باندی

ناصر عباس زاده<sup>۱</sup>، فاطمه یوردخانی<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف این پژوهش، بررسی و مقایسه‌ی مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان دختر و پسر سه شاخه‌ی نظری، فنی حرفه‌ای و کار دانش مقطع متوسطه‌ی شهرستان گرمسار بر اساس الگوی وایلز و باندی در سال ۱۳۸۷-۸۸ بوده است. روش پژوهش توصیفی - پیمایشی و جامعه‌ی آماری ۳۰۴۱ دانش‌آموز از سه مقطع متوسطه‌ی شهر گرمسار بود. حجم نمونه بر اساس جدول مورگان و با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، ۳۴۲ نفر تعیین شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ی محقق ساخته بود که ضریب پایایی آن بیش از ۰/۸۵ محاسبه شد. داده‌های گردآوری شده با استفاده از آزمون‌های کریسکال والیس و یومن ویتنی تجزیه و تحلیل گردید. در سه شاخه‌ی نظری، فنی حرفه‌ای و کار دانش در متغیرهای پیشرفت تحصیلی، اهمیت سازمان، حل مشکل، جستجوی دانش، عادت‌های خوب عقلی و جسمی، خویشتن‌پنداری، جهت‌یابی به خانواده و جهت‌یابی به آینده اختلاف معنی‌داری مشاهده نشد، ولی در متغیرهای رفتار همکارانه و آماده‌برای تغییر اختلاف معنی‌دار بود. در مورد متغیرهای پیشرفت تحصیلی، جستجوی دانش، عادت‌های خوب عقلی و جسمی، رفتار همکارانه و جهت‌یابی به آینده بین دختران و پسران با اطمینان دست کم ۰/۹۵ و در متغیر آماده‌برای تغییر، بین دختران و پسران با اطمینان ۰/۹۳۲ اختلاف وجود داشت، ولی در مورد متغیرهای اهمیت سازمان، حل مشکل، خویشتن‌پنداری و جهت‌یابی به خانواده تفاوتی معنادار مشاهده نشد.

واژه‌های کلیدی: مهارت‌های زندگی، دوره‌ی متوسطه، الگوی وایلز و باندی

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار dr.naser.abaszadeh@gmail.com

۲- کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

### مقدمه

بررسی رویدادها و مسائلی که تمامی جوامع، در زمان های گوناگون با آن رو به رو بوده اند، این پرسش را به ذهن می رساند که آیا بسیاری از فنون زندگی از جمله رویارویی، کنترل، اعتماد به نفس و سایر مهارت های مربوطه آموزش پذیرند یا نه؟! امروزه بیش تر کشورها با افزایش کمی آسیب های اجتماعی، کاهش سن افراد در معرض آسیب، نداشتن توجه جدی به برنامه های پیشگیری مشکلات رفتاری و تحصیلی ناشی از مشکلات فراوان، مشکل افراد در برقراری ارتباط با دیگران و نا پابندی به قوانین و مقررات اجتماعی رویارو هستند.

مهارت های زندگی، مجموعه ای از توانایی هاست که زمینه ی سازگاری و رفتار مثبت و مفید را فراهم می آورد. این توانایی ها، فرد را قادر می سازد تا مسئولیت های اجتماعی خود را بپذیرد و بدون زیان رساندن به خود و دیگران، با خواست ها، انتظارات و مشکلات روزانه، بویژه در روابط بین فردی، به گونه ای کارآمد رو به رو شود (طارمیان، ۱۳۷۹).

بر پایه ی بیانیه ی سازمان بهداشت جهانی، مهارت های زندگی، مهارت هایی هستند که برای افزایش توانایی های روانی و اجتماعی به افراد آموزش داده می شوند و آنها را قادر می سازند تا به گونه ای کارآمد با نیازها و کشمکش های زندگی رو به رو شوند (سازمان بهداشت جهانی، ترجمه ی نوری قاسم آبادی و محمد خانی، ۱۳۷۷). البته، تعاریف زیادی در این زمینه وجود دارد، ولی روی هم رفته می توان چنین گفت که همگی به آماده ساختن افراد برای زندگی فردی و اجتماعی بهتر می پردازند. با توجه به مطالب ذکر شده در بالا و تلاش های کارشناسان گوناگون طی دهه های اخیر، در جهت آماده کردن نسل جوان برای بهتر زیستن و پرداختن به موضوع مهارت های زندگی، بررسی و مقایسه ی میزان مهارت های زندگی<sup>۱</sup> بین دانش آموزان دختر و پسر در مقطع متوسطه ی شهرستان گرمسار در سه شاخه ی نظری، فنی حرفه ای و کار دانش مورد بررسی قرار گرفتند.

### پیشینه ی پژوهش

پژوهش در زمینه ی الگوی وایلز و باندی و بر اساس متغیرهای آن بکر می باشد و اغلب پژوهش های انجام شده در زمینه ی مهارت ها، به تأثیر آموزش مهارت های زندگی پرداخته اند که در زیر به برخی از آنها اشاره می شود:

<sup>۱</sup> - Life Skills

ارسطویی (۱۳۷۳) در مطالعه ای به بررسی ارتباط خود پنداره با جنسیت و پیشرفت تحصیلی پرداخته است که در این پژوهش خود پنداره و نگرش به خود، در دانش آموزان پسر نسبت به دختران مثبت تر است.

بیابانگرد (۱۳۷۸) طی پژوهشی، رابطه ی بین عزت نفس، منبع کنترل و پیشرفت تحصیلی را مورد بررسی قرار داد و بین سه متغیر یاد شده رابطه ای مثبت و قوی بدست آورد.

در پژوهشی که به وسیله ی اسماعیلی (۱۳۸۰) انجام شده است، اثر آموزشی درس مهارت های زندگی در «تعامل با شیوه های فرزندپروری در عزت نفس دانش آموزان استان اردبیل» مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد که عزت نفس (خودپنداری) دانش آموزانی که درس مهارت های زندگی را گذرانده اند بالاتر از دانش آموزانی است که نگذرانده اند. این یافته با نتایج پژوهش های «انجمن روان شناسی آمریکا» برابری می کند، بدین معنی که آموزش مهارت های زندگی بر افزایش عزت نفس دانش آموزان تأثیری مثبت دارد.

در پژوهشی با عنوان تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر عزت نفس، پیشرفت تحصیلی، سازگاری اجتماعی و کاهش اضطراب که به وسیله ی جعفری منش در سال (۱۳۸۲) در مورد دانش آموزان دختر سال اول دبیرستان شهرستان کرج انجام گرفت، نشان داد که: پس از گذراندن درس مهارت های زندگی، عزت نفس دانش آموزان و سازگاری اجتماعی آن ها به گونه ای معنا دار افزایش یافته است.

بهاری (۱۳۸۴) پژوهشی با عنوان تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر سلامت روان انجام داده است. نمونه ی وی ۳۰ نفر از دانشجویان بوده اند و ایشان مهارت های اعتماد به نفس و خودآگاهی (خود پنداری) را به این گروه آموزش داده اند. نتایج پژوهش نشان می دهد که آموزش مهارت های زندگی موجب افزایش سلامت روان دانشجویان می شود.

واشقانی (۱۳۸۴) طی پژوهشی در مورد تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان شهر تهران نتیجه گرفت که بین عزت نفس دانش آموزانی که درس مهارت های زندگی را گذرانده اند و دانش آموزانی که این درس را نگذرانده اند و همچنین بین پیشرفت تحصیلی دانش آموزانی که درس مهارت های زندگی را گذرانده اند و دانش آموزانی که این درس را نگذرانده اند، تفاوتی معنی دار وجود دارد، ولی بین عزت نفس دختران و پسرانی که درس مهارت های زندگی را گذرانده اند تفاوتی معنی دار وجود ندارد.

هاشمی در سال (۱۳۸۵) پژوهشی با عنوان «تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر رشد اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع راهنمایی شهرستان بروجن» انجام داده و به این نتایج دست یافت که بین رشد اجتماعی دانش آموزانی که آموزش مهارت های زندگی را گذرانده اند و

آن هایی که نگذرانده اند و همچنین بین رشد اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر که آموزش مهارت های زندگی را گذرانده اند، تفاوتی معنا دار وجود ندارد. بین پیشرفت تحصیلی دانش آموزانی که آموزش مهارت های زندگی را گذرانده اند و آنها که نگذرانده اند، تفاوتی معنی دار وجود دارد. موسوی در سال (۱۳۸۵) با هدف بررسی تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر سلامت روان و عزت نفس (خود پنداره) دانش آموزان دختر سال اول مقطع متوسطه ی شهر ایلام پژوهشی را انجام داده و به این نتیجه رسیده است که آموزش مهارت های زندگی موجب افزایش عزت نفس و سلامت روان دانش آموزان دختر گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل می شود.

پژوهشی در زمینه ی آموزش مهارت های زندگی در سال (۱۹۸۴) در ایالت تگزاس آمریکا به وسیله ی سازمان آموزش و پرورش آن جا انجام گرفت و این نتیجه بدست آمد که زنان بیش تر از مردان توانایی انجام کار و نیازهای آینده را ترسیم می کنند (فلمینگ<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۰). هولاند<sup>۲</sup> (۱۹۹۹) آورده است، مارش<sup>۳</sup> (۱۹۹۲) رابطه ای مثبت و معنادار بین فعالیت مشارکتی، پیشرفت تحصیلی، خود پنداره ی تحصیلی و اجتماعی بدست آورد. وی بر این باور است که مشارکت فعال منجر به افزایش تعهد نسبت به مدرسه و ارزش های تحصیلی می شود که به گونه ی مستقیم به افزایش موفقیت تحصیلی منجر می گردد (تابش، ۱۳۸۶).

آلبرتین<sup>۴</sup> و همکارانش (۱۹۹۷) در پژوهشی پیرامون تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر کارگران در آفریقای جنوبی به نتایجی مثبت دست یافتند. مهم ترین ویژگی گروه آزمایش مربوط به توانایی آنان در کنترل مسائل و مشکلات، انگیزش در کار و فعالیت در جهت توانایی آنان در داشتن نقش فعال در زندگی، رویارویی بهتر با شرایط زندگی و تغییر در توانایی آنان در احساس مسئولیت فردی اجتماعی بود. نتایج این پژوهش ها حاکی از این بود که گروه آزمایش نسبت به جنبه های شناختی در روابطشان با دیگران بینش و آگاهی بدست آوردند، میزان احترام و اطمینان به خود در آنها افزایش یافت و به خود پنداره ی مثبت رسیدند و مسئولیت پذیری فردی، برنامه ریزی برای آینده و توانایی تفکر انتقادی در آنها افزایش یافت (کادیش و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۰۱). در مطالعه ای که در ایالات متحده در سال های (۱۹۹۸-۱۹۹۷) در مورد تأثیر آموزش بر تکرار عمل ضد اجتماعی انجام شد، نتیجه بدست آمده حاکی از آن بود که بیش تر افرادی که در

1- Fleming

2- Holland

3- Marsh

4- Alberteian

5- Kadish

کلاس های آموزشی شرکت داشتند، از ارتکاب دوباره ی جرم پرهیز کرده و معمولاً در فعالیت های اجتماعی مشارکت می کردند. برای زندانیان ایالات متحده نیز برنامه ی آموزش مهارت های زندگی در نظر گرفته شده بود و در این کلاس ها بیش ترین تأکید بر روابط خانوادگی و کنترل خشم و استرس بود. زندانیان شرکت کننده در این جلسات آموختند که چگونه گذشته ی خود را جبران و روابط خانوادگی خویش را حفظ کنند و بهبود ببخشند. این زندانیان با سیستم انضباطی زندان، سازگارتر بودند و بازگشت دوباره ی آنها به زندان نیز کاهش چشمگیر داشت (گریس یانگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲).

در مطالعه ی کوآتمن و واتسون<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) که روی نوجوانان دختر و پسر انجام گرفت، مشخص شد که در عزت نفس، تفاوت های جنسیتی وجود دارد. به گونه ای که پسران اندکی بیش از دختران از عزت نفس برخوردارند. این یافته با نتایج پژوهش اوبرین<sup>۳</sup> و همکاران (۱۹۹۶) مطابقت دارد. پسران به گونه ای معنادار در برخی از ابعاد عزت نفس از قبیل خودآگاهی کلی، شایستگی تحصیلی و مهارت فردی و خانوادگی بالاتر از دختران بودند. همچنین آنان در مقابل چالش های زندگی کم تر از دختران دارای واکنش روانی بودند و با مهارتی بالاتر به رویارویی با مشکلات می پرداختند

در پژوهشی که در سال (۲۰۰۲) برای برنامه ی پیشگیری از سوء استفاده از مواد مخدر روی دانش آموزان مدارس ابتدایی و دوره ی متوسطه ی دبیرستان انجام گرفت، نشان داده شد که دانش آموزانی که مهارت های زندگی را آموزش دیده بودند، آموزش ها را در خود توسعه می دهند و بسیار بعید است که درگیر رفتارهای خطر آمیز شوند (داویز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲).

سمیر کوتا<sup>۵</sup> (۲۰۰۳) در کتاب خود با عنوان اضطراب، استرس و رویارویی با آن به پژوهشی که در رابطه با سازگاری پس از حادثه ی مردان فلسطینی و ارتباط آن با خود پنداره ی ایشان انجام داده، اشاره نموده است. یافته های او نشان داده اند که میزان سازگاری پس از وقوع حادثه در مردان فلسطینی با نوع خودپنداره ی ایشان ارتباطی معنادار دارد. به بیان دیگر افرادی که خود پنداره ی مثبت از خود داشتند، در رویارویی با استرس سازگاری بیش تری از خود نشان دادند.

مطالعه ی اسمیت<sup>۶</sup> (۲۰۰۴) نشان داد که آموزش مهارت های زندگی به گونه ی شایان توجهی به کاهش مصرف الکل و مواد مخدر در جوانان منجر می شود. اسمیت و گری<sup>۱</sup> (۲۰۰۵)

1- Grace young

2- Quatman & Watson

3- O brien

4- Davis

5- Samir Qouta

6-Smith

نشان دادند آموزش مهارت های زندگی اثری معنی دار بر توانایی های رهبری و مدیریتی در جوانان دارد.

در سازمان رسمی زندان سانفرانسیسکو برنامه ی مهارت های زندگی برای کنترل خشم زندانیان در زندان و بازگشت موفقیت آمیز آنان به زندگی طراحی شد که این برنامه برای ۳ سال در زندان مرکزی سانفرانسیسکو با موفقیت اجرا گردید (شوارتز، ۲۰۰۵).

در این پژوهش به بررسی و مقایسه ی مهارت های اجتماعی دانش آموزان پسر و دختر سه شاخه ی نظری، فنی حرفه ای و کاردانش مقطع متوسطه ی شهرستان گرمسار بر اساس الگوی وایلز و باندی، در سال تحصیلی ۸۸ - ۱۳۸۷ پرداخته شد. این پژوهش به متغیرهای دهگانه ی مطرح در این الگو می پردازد.

### پرسش اصلی پژوهش

با بررسی و مقایسه میزان مهارتهای زندگی در بین دانش آموزان دختر و پسر سه شاخه نظری، فنی حرفه ای و کار دانش مقطع متوسطه شهرستان گرمسار، بر اساس الگوی وایلز و باندی به چه نتایجی دست می یابیم؟

### روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی است. این پژوهش در دو سطح اسنادی و میدانی صورت گرفته که در سطح کتابخانه ای به بررسی پیشینه و در سطح میدانی روش پیمایشی را مورد استفاده قرار داده است.

جامعه ی آماری که نمونه از آن گرفته شده است، شامل ۳۰۴۱ نفر از دانش آموزان دختر و پسر سه شاخه ی نظری، فنی حرفه ای و کاردانش مقطع متوسطه ی شهرستان گرمسار در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ بوده اند. حجم نمونه به تعداد ۳۴۲ نفر با استفاده از جدول مورگان تعیین شد. از آنجا که فهرست مدارس و افراد جامعه قابل دسترسی است، لذا با در نظر گرفتن تعداد افراد هر گروه نسبت به جامعه، زیر گروهها به همان نسبت در نمونه انتخاب گردید، بنابراین شیوه ی نمونه گیری از نوع تصادفی طبقه ای بوده است.

<sup>1</sup> - Smith&Gery

<sup>2</sup> - Schwartz

### ابزار گردآوری داده ها

ابزار مورد استفاده برای جمع آوری داده ها، پرسشنامه ی محقق ساخته با مقیاس لیکرت و بر اساس متغیرهای پژوهش و مؤلفه های بیان شده در الگوی وایلز و باندی بوده است. پرسش ها متناسب با هدف ها طراحی شده که شامل ۴۰ پرسش بسته پاسخ چند ارزشی (خیلی کم، کم، زیاد و خیلی زیاد) بوده است که پس از اعتبار یابی و هماهنگی، در اختیار نمونه ی مورد بررسی قرار گرفت و پس از تکمیل، جمع آوری شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

روایی این پرسشنامه با در نظر گرفتن شاخصه های الگوی مربوطه و مشورت با اساتید محترم بدست آمد. اعتبار آن از راه نرم افزار SPSS و با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ، بیش از ۰/۸۴ بدست آمد که اعتبار بالایی را نشان می دهد.

### روش تحلیل داده ها

از آنجا که بررسی و مقایسه در این پژوهش مد نظر بوده است، لذا از آزمون کروسکال والیس جهت مقایسه ی سه شاخه و از آزمون من یو ویتنی برای مقایسه ی دو جنسیت استفاده شد.

### یافته های پژوهش

با توجه به داده های موجود در جدول ۱، فرض برابری در بین سه شاخه ی نظری، فنی حرفه ای و کاردانش با استفاده از آزمون کروسکال والیس در مورد متغیرهای پیشرفت تحصیلی ( $P < 0/231$ )، اهمیت سازمان ( $P < 0/224$ )، حل مشکل ( $P < 0/355$ )، جستجوی دانش ( $P < 0/162$ )، عادت های خوب عقلی و جسمی ( $P < 0/348$ )، رفتار همکارانه ( $P < 0/066$ )، خویشتن پنداری ( $P < 0/669$ )، جهت یابی به خانواده ( $P < 0/976$ ) و جهت یابی به آینده ( $P < 0/513$ ) پذیرفته شده است. بر این اساس نمی توان پذیرفت در این موردها، بین سه شاخه اختلاف معنی داری وجود دارد، اما بر پایه ی نتایج مندرج در جدول ۱، تفاوت بین سه شاخه در متغیر آماده برای تغییر با اطمینان ۰/۹۶۲، معنی دار است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



میانگین رتبه در متغیر پیشرفت تحصیلی، حل مشکل، عادت های خوب عقلی و جسمی، رفتار همکارانه و خویشتن پنداری از بیشینه به کمینه، به ترتیب در شاخه های فنی حرفه ای، نظری و کاردانش، در متغیر اهمیت سازمان، به ترتیب در شاخه های نظری، فنی حرفه ای و کاردانش، در متغیر جستجوی دانش و جهت یابی به آینده، به ترتیب در شاخه های نظری، کاردانش و فنی حرفه ای، در متغیر آماده برای تغییر، به ترتیب فنی حرفه ای، کاردانش و نظری و در متغیر جهت یابی به خانواده، به ترتیب شاخه های کاردانش، فنی حرفه ای و نظری مشاهده می شود.

همچنین با استفاده از آزمون من ویتنی فرض برابری بین دختران و پسران انجام شد که بر اساس نتایج جدول ۲، متغیر پیشرفت تحصیلی ( $P < 0/001$ )، جستجوی دانش ( $P < 0/022$ )، عادت های خوب عقلی و جسمی ( $P < 0/000$ )، رفتار همکارانه ( $P < 0/003$ ) و جهت یابی به آینده ( $P < 0/007$ ) در بین دختران و پسران تفاوتی معنی دار دارد.

همچنین در متغیر اهمیت سازمان ( $P < 0/122$ )، حل مشکل ( $P < 0/202$ )، خویشتن پنداری ( $P < 0/848$ )، آماده برای تغییر ( $P < 0/068$ )، جهت یابی به خانواده ( $P < 0/149$ ) بین دختران و پسران اختلافی معنادار مشاهده نمی شود.

میانگین رتبه ی پسران در تمامی متغیرها بالاتر است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

**رتبه بندی بر مبنای آزمون فریدمن**

جدول ۳- آزمون فریدمن برای مقایسه ۱۰ مهارت

معنی داری	درجه آزادی	آماره کای دو	تعداد
.	۹	۲۶۳/۲۲۷	۳۴۲

در آزمون فریدمن، فرض صفر این است که نظرات دانش آموزان (در کل نمونه) نسبت به هریک از مهارت ها یکسان است. از آنجایی که معنی داری آزمون  $0/000$  بدست آمده است، فرض صفر در سطح ۵ درصد و با اطمینان بالایی رد می شود. یعنی نظرات دانش آموزان نسبت به هر مولفه یکسان نیست. نظر به نگرش دانش آموزان و با توجه به آزمون فریدمن می توان گفت که متغیرها به ترتیب رتبه چنین هستند: رفتار همکارانه، جهت یابی به خانواده، اهمیت سازمان، پیشرفت تحصیلی، جهت یابی به آینده، حل مشکل و خویشتن داری، عادت های خوب عقلی و جسمی، آماده برای تغییر و جستجوی دانش.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### بحث و نتیجه گیری

با توجه به موضوع پژوهش و نبود پژوهش‌هایی مانند این، نمی‌توان مقایسه‌ای دقیق با پژوهش‌های انجام‌شده‌ی دیگر انجام داد. البته پژوهش‌هایی درباره‌ی نیازسنجی مهارت‌های زندگی برای طبقه بندی مهارت‌ها وجود دارد، اما بیش‌تر در داخل و یا خارج از کشور در زمینه‌ی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر عامل‌های گوناگون (از نوع همبستگی) می‌باشند، لذا نمی‌توان وجه اشتراک بین این پژوهش که از نوع توصیفی است و دستاوردهایش را با سایر پژوهش‌ها مد نظر قرار داد و در مورد تأیید یا عدم تأیید آنها سخن گفت.

بسیاری از پژوهش‌ها در حیطه‌ی مهارت‌های زندگی، به مهارت حل مسئله تعلق دارند و گویی این مهارت نظر بسیاری از پژوهشگران را جلب کرده است، اما در وادی پژوهش، بسیاری از متغیرهای الگوی مورد نظر این پژوهش دور از نظرها مانده است. با توجه به تعاریفی که پیش‌تر از متغیرها آمده و همچنین نتایج بدست آمده، می‌توان به اختلاف بین شاخه‌ها و دو جنس پی برد، بنابراین با توجه به نتایج بدست آمده، می‌توان در مورد دانش‌آموزان مقطع متوسطه‌ی شهرستان گرمسار گفت:

در بین سه شاخه‌ی نظری، فنی حرفه‌ای و کاردانش در مورد متغیرهای پیشرفت تحصیلی، اهمیت سازمان، حل مشکل، جستجوی دانش، عادت‌های خوب جسمی و عقلی، رفتار همکارانه، خویش‌پنداری، جهت‌یابی به خانواده و جهت‌یابی به آینده اختلاف معناداری مشاهده نمی‌شود. در مورد متغیر آماده برای تغییر بین سه شاخه‌ی یاد شده اختلاف معنادار است.

در مورد متغیرهای اهمیت سازمان، حل مشکل، خویش‌پنداری، آماده برای تغییر و جهت‌یابی به خانواده نمی‌توان اختلافی بین دختران و پسران قائل شد. در مورد متغیرهای پیشرفت تحصیلی، جستجوی دانش، عادت‌های خوب عقلی و جسمی، رفتار همکارانه و جهت‌یابی به آینده بین دختران و پسران در متغیرهای یاد شده، با اطمینان دست کم ۰/۹۵ اختلاف وجود دارد.

میانگین رتبه در متغیر پیشرفت تحصیلی، از بیشینه به کمینه، به ترتیب در شاخه‌های فنی حرفه‌ای، نظری و کاردانش مشاهده می‌شود. شاید نحوه ارائه‌ی درس‌ها، کاربرد شیوه‌ای کارگاهی و انجام کارهای عملی در شاخه‌ی فنی حرفه‌ای از عامل‌های ایجاد این دستاورد باشد و یا از آنجا که در شاخه‌ی کاردانش آزمون‌های نهایی وجود ندارد، تلاش در سایر شاخه‌ها بیش‌تر است تا بتوانند هنگام برگزاری امتحانات به شیوه‌ی نهایی از عهده‌ی آن برآیند، البته اختلاف بین شاخه‌ها معنی‌دار نیست. میانگین رتبه‌ی پسران بالاتر است و اختلاف بین دو جنس معنی‌دار است و این در حالی است که در پژوهش کواتمن و واتسون (۲۰۰۲) که با پژوهش اوبرین و

همکاران (۱۹۹۶) مطابقت دارد، به این نتیجه رسیدند که پسران به گونه ای معنادار از نظر تحصیلی بالاتر از دختران هستند.

میانگین رتبه در متغیر اهمیت سازمان، از بیشینه به کمینه، به ترتیب در شاخه های نظری، فنی حرفه ای و کاردانش مشاهده می شود که شاید به خاطر نحوه ی ارائه ی درس ها و چگونگی برگزاری کلاس ها باشد و روشن است که موقعیت کارگاهی و انجام کارهای عملی، فضایی آزادانه تر اقتضا می کند، ولی در شاخه ی نظری اصول کلیشه ای تر در سازمان کلاسی حاکم است. برای مثال در کارگاه خیاطی و آشپزی رشته ی مدیریت خانواده (کاردانش) فضایی متفاوت با کلاس درس نظری وجود دارد، البته اختلاف معنی دار بین شاخه ها وجود ندارد. در مقایسه ی دو جنس، پسران بالاترند، ولی اختلاف معنی دار نیست. اگر چه پژوهشگر توقع داشت که دختران به دلیل دقت بیش تر و حساسیت به رعایت اصول اهمیت سازمان در این زمینه بهتر باشند، اما به احتمال زیاد به دلیل این که خانواده و جامعه از هر دو جنس انتظار دارند به موقع بیایند و بروند و سایر اقدام های مربوط به اهمیت دادن به این مؤلفه را انجام دهند، این نتیجه بدست آمده است و یا شاید به هنگام پاسخگویی به پرسشنامه ترجیحاً گزینه ای بهتر را انتخاب کرده اند.

میانگین رتبه در متغیر حل مشکل، از بیشینه به کمینه، به ترتیب در شاخه های فنی حرفه ای، نظری و کاردانش مشاهده می شود که می تواند به دلیل وجود زمینه ی مساعدتر جهت اقدام خلاقانه در رویارویی با چالش ها در انجام فعالیت های درسی شاخه ی فنی حرفه ای باشد، البته اختلاف معنی دار بین شاخه ها وجود ندارد. در مقایسه ی دو جنس، پسران میانگین بالاتری دارند که آن هم می تواند به دلیل فرهنگی که معمولاً می خواهند پسران را در رویارویی با مشکل مقاوم بار آورند باشد، البته اختلاف بین دو جنس معنی دار نیست. در پژوهش کواتمن و واتسون (۲۰۰۱) نیز که با نتایج اوبرین و همکاران (۱۹۹۶) مطابقت دارد، پسران نسبت به دختران با مهارت بالاتری به رویارویی با مشکلات می پردازند.

میانگین رتبه در متغیر جستجوی دانش، از بیشینه به کمینه، به ترتیب در شاخه های نظری کاردانش و فنی حرفه ای مشاهده می شود شاید به این دلیل که دانش آموزان در شاخه ی نظری بیش تر به مطالعه و پژوهش کتاب ها و در دو شاخه ی دیگر به کارهای عملی می پردازند، البته اختلاف بین شاخه ها معنی دار نیست. در مقایسه بر حسب جنسیت پسران بالاترند در حالی که چنین انتظار می رود که هر دو جنس در این متغیر نگرشی مشابه داشته باشند، اما اختلاف دو جنس معنی دار است.

میانگین رتبه در متغیر عادت های خوب عقلی و جسمی، از بیشینه به کمینه، به ترتیب در شاخه های فنی حرفه ای، نظری و کاردانش و بدون اختلاف معنی دار بین شاخه ها مشاهده

می شود. در بررسی بین دو جنس پسران بالاتر و اختلاف بین دو جنس معنی دار است که این می تواند به دلیل مشارکت بیش تر پسران در برنامه های ورزشی و توان بیش تر برخورد با فشارهای روانی (که از شاخصه های این متغیر در الگوی بیان شده است) باشد.

میانگین متغیر رفتار همکارانه در مورد پسران، از بیشینه به کمینه، به ترتیب در شاخه های فنی حرفه ای، نظری و کاردانش و بدون اختلاف معنی دار بین شاخه ها مشاهده می شود. این نتیجه می تواند نتیجه ی بیش تر بودن کارهای عملی و گروهی در شاخه ی فنی حرفه ای نسبت به سایر رشته ها باشد. در مقایسه ی دو جنس، پسران بالاتر و اختلاف معنی دار است. شاید تنوع رشته های فنی حرفه ای در هنرستان های پسرانه ی شهر گرمسار، نسبت به دختران و در پی آن تنوع در انجام کارهای عملی و گروهی پسران، در بدست آمدن این نتیجه مؤثر بوده است.

میانگین رتبه در متغیر خویشتن پنداری، از بیشینه به کمینه، به ترتیب فنی حرفه ای، نظری و کاردانش، البته بدون اختلاف معنی دار بین شاخه ها مشاهده می شود. در مقایسه ی دو جنس پسران بالاترند، ولی اختلاف معنی دار نیست، در حالی که در پژوهش کواتمن و واتسون (۲۰۰۲) که با پژوهش اوبرین و همکاران (۱۹۹۶) مطابقت دارد، نیز مشخص گردید که در عزت نفس (خویشتن پنداری) تفاوت جنسیتی وجود ندارد، اما ارسطویی (۱۳۷۳) در پژوهش خود دریافت که خود پنداره و نگرش به خود در دانش آموزان پسر نسبت به دختران مثبت تر است.

میانگین رتبه در متغیر آماده برای تغییر، از بیشینه به کمینه، به ترتیب فنی حرفه ای، کاردانش و نظری می باشد و بین شاخه ها اختلافی معنی دار مشاهده می شود. شاید به این دلیل که دانش آموزان فنی حرفه ای کم تر از دانش آموزان نظری درگیر رویه ی ثابت تدریس و مطالعه هستند و با شرکت در فرایندهای عملی و گروهی، آماده برای تغییر بوده و خود را جهت کسب شغل مفید و مورد علاقه در کارهای گوناگون مورد آزمایش قرار می دهند. در مقایسه دو جنس پسران بالاترند که شاید به دلیل پویایی بیش تر آنان باشد.

میانگین رتبه در متغیر جهت یابی به خانواده، از بیشینه به کمینه، به ترتیب شاخه های کاردانش، فنی حرفه ای و نظری و بدون اختلاف معنی دار بین شاخه ها مشاهده می شود. در مقایسه ی دو جنس، پسران بالاترند و این می تواند به اقتضای فرهنگی و اهمیت جایگاه خانواده باشد، البته اختلاف معنادار نیست.

میانگین رتبه در متغیر جهت یابی به آینده، از بیشینه به کمینه، به ترتیب نظری، کاردانش و فنی حرفه ای و بدون اختلاف معنی دار است. پسران از دختران بالاتر و اختلاف معنی دار می باشد و این شاید به دلیل موقعیت عرف و اجتماع و این که پسران به دلیل فرهنگ رایج به عنوان مدیر و ترجیحاً نان آور خانواده ی آینده تلقی می شوند و باز تر بودن افق آتیه برای آنان

باشد، البته با توجه به گفته ی فلمینگ (۲۰۰۰)، بر پایه ی پژوهش سازمان آموزش و پرورش آمریکا در ایالت تگزاس (۱۹۸۴)، زنان بیش تر از مردان، توانایی کار و رفع نیازهای آینده را دارند و این با یافته ی این پژوهش همخوانی ندارد.

نظر به نگرش دانش آموزان و با توجه به آزمون فریدمن می توان گفت که متغیرها به ترتیب رتبه چنین هستند: رفتار همکارانه، جهت یابی به خانواده، اهمیت سازمان، پیشرفت تحصیلی، جهت یابی به آینده، حل مشکل و خویشتن داری، عادت های خوب عقلی و جسمی، آماده برای تغییر و جستجوی دانش.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## منابع

- اسماعیلی، محمد. (۱۳۸۰). بررسی اثر آموزش مهارت های زندگی در تعامل با شیوه فرزندپروری بر عزت نفس دانش آموزان استان اردبیل. فصلنامه پیام مشاور، شماره ۶، سال سوم.
- ارسطویی، هایده. (۱۳۷۳). بررسی ارتباط خودپنداره با جنسیت و پیشرفت تحصیلی. پایان نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه الزهرا.
- بهراری، سیف...، شفیق پور، محمدرضا. (۱۳۸۴). تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر سلامت روانی دانشجویان. طرح پژوهشی، چاپ نشده، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین.
- بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۷۸). روش های افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان
- تابش، فاطمه. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر سازگاری عاطفی، اجتماعی و آموزشی دانش آموزان دختر دبیرستانی منطقه ۱۵ تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده.
- جعفری منش، مریم. (۱۳۸۲). تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر عزت نفس، پیشرفت تحصیلی، سازگاری اجتماعی و کاهش اضطراب حالت صفت در دانش آموزان دختر سال اول دبیرستان شهرستان کرج. پایان نامه ارشد، چاپ نشده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- خنیفر، حسین، پورحسینی، مژده. (۱۳۸۷). مهارت های زندگی. تهران: هاجر.
- سازمان بهداشت جهانی (۱۳۷۷). برنامه آموزشی مهارت های زندگی (ترجمه ربابه نوری قاسم آبادی و پروانه محمدخانی). تهران: معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور
- طارمیان، فرهاد. (۱۳۷۹). مهارت های زندگی. تهران: مؤسسه فرهنگی منادی تربیت
- کلههر، منصوره. (۱۳۸۷). نقش کارکنان مدرسه در پیشگیری از گرایش دانش آموزان به مصرف مواد مخدر، نشریه پیوند، شماره ۳۴۵-۳۴۶-۳۴۷.
- موسوی، سیدمحمد. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر سلامت روان و عزت نفس دانش آموزان دختر سال اول متوسطه مدارس شهر ایلام، پایان نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده.
- واشقانی، زهرا. (۱۳۸۴). بررسی تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان شهر تهران. فصلنامه بهداشت مدارس ایران، دوره ۲، شماره ۱.
- هاشمی، بهروز. (۱۳۸۵). تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر رشد اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع راهنمایی شهرستان بروجن، پایان نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده.

Kadish .T .E & Glaser.B.A.&Calhom.G.B.&Ginter.E.J. (2001)Identifying the developmental strengths of juvenile offenders;Assessing four life skills.Journal of addictions&offender counseling;21(2);11-85

Grace young.C.(2002).Voluntary educational program participation ,personality characteristics and the recidivism of federal felons.Dissertation for degree of ph.D. Gonzaga University

Davis .K.(2002).Life skills 4kids,Wate are life skills,Life skills training....,Provider training).

Qouta,Samir (2003).Resiliency factors Predicting psychological adjustment after political violence,[<http://www.gcmhp.net/research1.htm>].

Fleming , J.E offord, D.R. and Boyle,M.H. (2000). Prevalence of child hood and adolescent depression in the community: Ontario child health study . British Journal of Psychiatry.155,647- 654.

Quatman.T,Watson.Cm.(2001). Gender differences in adolescent self-ESTEEM: An exporation of domans.Journal of Genetic psychology,162(1).93-25

Smith, E. A. (2004 ).Evaluation of life skills training and in fased life skills training in a raval

Smith, T.A. Genry,L.S,kertring,S.A.(2005)Evaluating a youth leader v ship skills.v pevelopment program.Journal of Extensive .A36.

Schwartz.S.(2005).Life skills for prisoners program.Journal of correctional education;56(2);115-123

